

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۹  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود  
سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۶

## دستاوردهای تربیتی حکومت امام مهدی علیه السلام

۱ صغرا ملاولی  
۲ عذرا جعفری موحد  
۳ فرح رامین

### چکیده

نوشتار حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که براساس روایات اهل بیت علیهم السلام حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام به لحاظ تربیتی چه نتایج و دستاوردهایی برای مردم به ارمغان خواهد آورد؟ آن چه که از کلام معصومین علیهم السلام در این رابطه برداشت می شود این است که حضرت ولی عصر علیه السلام که آخرین ذخیره الهی و واسطه فیض حضرت حق برای انسان ها می باشد پس از ظهور در راستای تربیت بشر و هدایت آنها به سوی هدف نهایی که قرب الهی است، اقداماتی انجام می دهد که نتایج این اقدامات به عنوان دستاوردهای تربیتی حکومت حضرت مطرح می گردد. این دستاوردها در سه بعد معرفت، عاطفه و رفتار جای می گیرد به این صورت که حضرت حجت علیه السلام با بالا بردن سطح معرفت مردم، در بعد عاطفی آنها تغییراتی ایجاد می کند چرا که عواطف مبتنی بر معرفت می باشند و تغییر در معرفت، تغییر در عواطف را به دنبال دارد. از طرفی با توجه به این که عمل و رفتار انسان تابع نگرش و انگیزش اوست؛ انسان های عصر ظهور پس از این که به واسطه امام به معرفت شایسته خود رسیدند و عواطف آنها تعدیل شد، در بعد عمل و رفتار، عدالت محور خواهند شد و تمام همت آنها در

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم (نویسنده مسئول) (soghramolavali@gmail.com).
۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم.
۳. دانشیار دانشگاه قم.

راستای رضایت تنها معبود و معشوق حقیقی، پروردگار هستی خواهد بود؛ از این رو رذائل، جای خود را به فضائل خواهند داد و وحدت و یکپارچگی و انس و الفت بین مردم رایج خواهد شد و همه افراد آن جامعه در سایه حکومت حضرت، استعداد‌های شان شکوفا شده و به اعتدال روحی می‌رسند و فضائل اخلاقی را سرلوحه رفتار خود قرار خواهند داد. در این مقاله سعی شده است به دستاوردهای تربیتی حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام در سه بعد معرفت، عاطفه و رفتار از نگاه روایات پرداخته شود.

### واژگان کلیدی

دستاورد، تربیت، حکومت، امام مهدی علیه السلام، عصر ظهور.

### مقدمه

بر اساس منابع دینی، هدف خداوند متعال از خلقت انسان، شکوفاسازی استعداد‌های بالقوه او در مسیر عبودیت و بندگی و تعالی آنها در جهت نیل به مقام قرب الهی می‌باشد؛ در همین راستا لطف خویش را نصیب بندگان نموده و واسطه‌های فیض خویش را برای ارشاد و راهنمایی انسان به مسیر بندگی نازل نمود و راه رسیدن به قرب الی الله را به بشر نشان داد، برای نیل به چنین هدفی، تمام انبیاء و اولیاء الهی، برنامه تربیت انسان، ایجاد تغییر و تحول در او، رساندن وی به عبودیت الهی و قطع تعلق به وابستگی‌ها و علائق مادی را دنبال کرده‌اند. چرا که تمام علائق مادی و معبودهای مجازی غل و زنجیری به پای روح انسان است و او را از رسیدن به غایت، یعنی حق متعال بازمی‌دارد.

برای رهایی از موانع حرکت به سوی حضرت حق باید عشق به پروردگار عالم در نهاد انسان، برتر از هر عشقی باشد تا همواره در تعارض علائق و وابستگی‌ها بتواند آن موردی را انتخاب کند که وی را به خداوند نزدیک‌تر می‌سازد؛ همان‌طور که خداوند در توصیف مؤمنان می‌فرماید: ﴿...الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...﴾ (بقره: ۱۶۵).

کلید عشق برتر، شناخت است؛ تلاش همه انبیاء و اوصیاء این بوده است که انسان را از طریق شناخت به عشق متعالی و عبودیت حضرت حق برسانند یا به عبارت دیگر انسان‌ها را در این راستا تربیت نمایند. اما به دلیل وجود موانع متعدد، نتوانستند این هدف را به طور کامل محقق سازند؛ امام مهدی علیه السلام حلقه آخر این سلسله است که این مهم را به معنای کامل در جهان محقق خواهد ساخت.

در نظام مهدوی نیز همچون رویه انبیاء و اوصیای پیشین، آغاز تربیت از حقیقت یگانه‌ای



است که خالق جهان است و هدف تربیت نیز معطوف به اوست. زیرا فطرت آدمی عاشق کمال مطلق است؛ منشأ تمام حرکات و سکنات و زحمات آدمیان همین عشق است و این حقیقت محرک تمام اعمال نوع انسانی است (خمینی، ۱۳۶۲: ۱۵۲) لذا امام زمان علیه السلام پس از ظهور، تمام همّت خویش را برای تربیت انسان‌های آن عصر به کار می‌گیرد و در راستای نیل به تربیت حقیقی، با توجه به مبانی و اهداف تربیت و با تکیه بر اصول و روش‌های تربیت دینی تغییرات اساسی در ابعاد معرفتی، عاطفی و رفتاری انسان‌ها ایجاد می‌کند.

جهت تبیین مسئله تربیت و نتایج تربیتی حاصل شده در عصر ظهور، در این مقاله به مفهوم تربیت و دستاورد و همچنین آثار و نتایج تربیتی حکومت امام عصر علیه السلام می‌پردازیم.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. تربیت

واژه تربیت در زبان فارسی و عربی به معانی متعددی به کار رفته است؛ در زبان فارسی تربیت به معنی پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن (عمید، ۱۳۸۹: ۳۳۵) به کار رفته است. اما در عربی برای تعیین ریشه کلمه تربیت، اختلاف نظر وجود دارد؛ لغت‌شناسان عرب، دو ریشه «ربو» به معنای زیادت در رشد متربی (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۲: ۳۱۲) و «ربب» به معنای تغییر و تحول تدریجی در راه رسیدن به کمال را برای تربیت مطرح نموده‌اند؛ به عنوان مثال راغب اصفهانی در کتاب *مفردات*، تربیت را از ریشه «ربب» دانسته و به معنای تغییر و تحول تدریجی و رو به کمال می‌داند. (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۳۲؛ خداپرست، ۱۳۸۹: ۲۹۲)

در تعریف اصطلاحی تربیت، هر متفکری از زاویه‌ای به آن پرداخته است؛<sup>۱</sup> اما در این نوشتار، معنای اصطلاحی تربیت، عبارت است از: فعالیتی منظم و مستمر و هدفدار در جهت اثرگذاری بر شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای انسان که منجر به پرورش و شکوفاسازی استعدادها بالقوه متربی می‌شود؛ به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت متربی به ویژه در رفتارهای او ظاهر می‌گردد. (داوودی، ۱۳۹۰: ۲۲؛ آقا تهرانی، ۱۳۹۲: ۶۰)

۱. ر.ک: اعرافی، علیرضا، روش‌های استنباط آموزه‌های تربیتی در آیین سیره و کلام امام علی علیه السلام، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۹؛ اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، ج ۱، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۸۸؛ اعرافی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵؛ ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، چاپ پانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۲؛ احمدی، علی اصغر، اصول تربیت، چاپ ششم، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۶؛ باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ نهم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲؛ بهشتی، احمد، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱؛ دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، چاپ سوم، انتشارات دریا، تهران، ۱۳۸۲؛

هر نظام تربیتی دارای اصول، اهداف و مبانی خاصی می‌باشد اما از آن‌جا که موضوع بحث این مقاله صرفاً دستاوردهای تربیتی است، بیان تفصیلی اهداف و مبانی تربیت در این مقاله نمی‌گنجد و مجال دیگری می‌طلبد.<sup>۱</sup>

با توجه به تعریف فوق می‌توان گفت برای تربیت نمودن انسان، باید تغییراتی در جهت رشد سه بُعد شناخت، عواطف و رفتار او ایجاد نمود که در نتیجه این امر، انسان در تمام ابعاد و مراتب وجودی خویش به اعتدال<sup>۲</sup> می‌رسد و در تمام زمینه‌ها، عدالت را سرلوحه عمل خود قرار می‌دهد و به لحاظ روحی چنان ارتقا می‌یابد که مظهر صفات حضرت حق می‌گردد.

## ۲. دستاورد

دستاورد به معنای دست آورده، نتیجه، نتیجه عمل، برآیند کار یا فکر، خواسته‌ای که محقق شده باشد و دست یافتن به چیزی را گویند.

با توجه به معنای لغوی فوق، در این مقاله منظور از دستاورد، همان اهداف تربیتی حکومت امام زمان علیه السلام و نتیجه عملکرد تربیتی حضرت در مدیریت و اداره جهان می‌باشد با این توضیح که قبل از تحقق با لفظ اهداف از آن نام می‌برند اما پس از تحقق اهداف می‌توان به آن، لفظ دستاورد را اطلاق کرد. به عبارت دیگر هدف، چیزی است که تمام تلاش انسان معطوف به آن می‌باشد تا بدان برسد؛ در واقع همان علت غایی است اما دستاورد، تفصیل آن مفهوم کلی ذهنی است و عینیت غایت می‌باشد.

از این رو منظور از دستاورد در این مقاله تحقق اهداف تربیتی ترسیم شده برای حکومت جهانی امام زمان علیه السلام می‌باشد.

## ۳. حکومت مهدوی

حکومت در لغت به معنای فرمانروایی کردن و سلطنت کردن می‌باشد؛ مهدوی، منسوب به مهدی، صاحب الزمان علیه السلام می‌باشد. این دو کلمه وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند به معنای

۱. ر.ک: دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور، دریا، تهران، ۱۳۷۹؛ فرید، مرتضی، روایات تربیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶؛ اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، ج ۱، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۸؛ امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ سوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷؛ مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۸۸؛ مجموعه مقالات تربیت زمینه ساز، راهبردها و راهکارها، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۳؛ فیروزی، ام‌البینین، حیات و تربیت در آموزه‌های قرآنی و علوم انسانی، چاپ دوم، مرکز نشر هاجر، قم، ۱۳۹۴؛ چاپ پنجم، نشر آفاق، تهران، ۱۳۸۶؛ دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۸۰؛ شاملی، عباس، مجموعه مقالات تربیت اخلاقی، دفتر نشر معارف، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶.

۲ به معنای حالت تسویه یا استوا در تمایلات نفسانی و عقلانی.

حکومتی است که حاکم آن حضرت مهدی علیه السلام، امام دوازدهم علیه السلام می‌باشد.

آن چه از آیات قرآن به دست می‌آید این است که دین کامل نزد خداوند متعال، اسلام است<sup>۱</sup> که دین حق بوده و از زمان انبیاء تاکنون بخش‌هایی از آن بروز و ظهور پیدا کرده و به واسطه انبیاء و اوصیاء در بین امت‌های مختلف جاری بوده است و در زمان امام دوازدهم شیعیان، به صورت تام و کامل بر کل جهان حاکم خواهد شد.<sup>۲</sup> (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۳، ۲۳۸) لذا از همان ابتدای هدایت بشر بواسطه انبیا، یکی از برنامه‌های مهم آنها، تأسیس حکومت اسلامی و تشکیل امت واحد بوده است چراکه هدف انبیا منحصر در انسان‌سازی و آراستن آنها به نیکی‌ها و همچنین پیراستن انسان‌ها از بدی‌ها نبود، بلکه هدف والای دیگری را نیز دنبال می‌کردند که آن تشکیل جامعه توحیدی و حکومت الهی بود؛ زیرا بزرگ‌ترین پیام انبیا، توحید است که عبارت است از حاکمیت خدا در زندگی فردی و اجتماعی انسان؛ اگر در زندگی فردی انسان خداوند حاکم باشد اما اجتماع در مسیر توحید نباشد قطعاً زندگی فردی نیز از مسیر توحید خارج خواهد شد. (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۸)

تأسیس چنین حکومتی توسط امام مهدی علیه السلام و ظهور مصلح کل وعده قطعی خداوند است<sup>۳</sup> که حکومت را در برهه حساسی از زمان به دست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد<sup>۴</sup> و به وسیله او عدالت، رفاه، علم، آبادانی، یکتاپرستی و نیکی در پهنه زمین حاکم خواهد شد.

### دستاورد‌های تربیتی حکومت امام مهدی علیه السلام

دوازدهمین امام شیعیان، حضرت مهدی موعود علیه السلام پس از ظهور، وعده خداوند را محقق ساخته و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد که این حکومت با دین‌مداری و محقق ساختن آموزه‌های دینی به لحاظ تربیتی، دستاورد‌هایی در بُعد فرد و اجتماع خواهد داشت. از آن جا که تربیت به معنای تغییر و تحولی است که در اثر شکوفاسازی استعداد انسان در راستای نیل به کمال، حاصل می‌شود، لذا امام زمان علیه السلام پس از ظهور همچون همه انبیای الهی تمام همّت خویش را برای تربیت انسان‌های آن عصر به کار می‌گیرد و آنها را به مسیری که

۱. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (آل عمران: ۱۹)

۲. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳)

۳. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُغْبِثُونَ لِي لَا يَشْرِكُوا بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)

۴. ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)

هماهنگ با فطرتشان است وارد می‌نماید تا بتوانند به کمال شایسته خویش نائل آیند؛ از آن جا که انسان دارای دو بُعد جسمانی و روحانی است، برای تغییر و تحول و شکوفاسازی سرمایه‌های وجودی‌اش، باید هم در بُعد مادی و هم در بُعد روحی او تغییرات مثبتی ایجاد کرد؛ لذا حضرت، در مسیر تربیت انسان‌های عصر ظهور، هم از نظر روحی و هم از نظر مادی آنها را تغذیه نموده و پشتیبانی می‌کند به عنوان مثال نیازمندی‌های مادی که غل و زنجیری به پای روح انسان می‌باشند و او را در بند می‌کشند را از بین برده و زمینه‌های آرامش روحی - روانی انسان‌ها را فراهم می‌سازد تا بتوانند در جهت رشد، بهتر و سریعتر پیش روند و تمام قوا و استعداد‌های روحی آنها شکوفا گردد.

حضرت مهدی علیه السلام برای رساندن انسان‌ها به کمال و هدایت آنها از ضلالت به سوی نور حضرت حق، در سه بُعد معرفت، عاطفه و رفتار اقداماتی انجام می‌دهد؛ لکن از آن جا که موضوع این نوشتار دستاوردهای تربیتی است، به اقدامات نمی‌پردازیم، بلکه نتایج تربیتی اقدامات ایشان را در سه بُعد مذکور مطرح می‌کنیم.

#### الف) دستاوردهای تربیتی حکومت امام مهدی علیه السلام در بُعد معرفت

##### ۱. تکامل عقلی

در منابع اسلامی عقل بسیار مورد ستایش واقع شده است به گونه‌ای که کاملاً ارزش انسان را به آن گره زده‌اند؛ این مطلب با تعابیر مختلفی در روایات آمده است از جمله این که عقل، مایه کمال، ریشه انسان و معیار انسانیت او معرفی شده است.<sup>۱</sup> (آمدی، بی تا: ۵۱-۴۹؛ ابن بابویه قمی، ۱۳۷۶: ۲۴۰)

عقل با واژه عقال تناسب دارد که به معنای زانویند شتر است که با آن زانوی شتر را می‌بندند تا از طغیان او جلوگیری کنند؛ لذا در معنای لغوی عقل، امساک و استمساک آمده است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۳۵۴)

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تعریف اصطلاحی عقل می‌فرماید:

ادراکاتی که انسان دارد و آنها را در دل پذیرفته و پیمان قلبی با آنها بسته است عقل نامیده‌اند و نیز مدرکات آدمی و آن قوه‌ای که در خود سراغ دارد و با آن خیر و شر و حق و باطل را از هم تشخیص می‌دهد، عقل نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۷۴-۳۷۲).

۱. اصل الانسان لبه و عقله؛ الانسان بعقله؛ قيمة كل امرء عقله؛ کمال الانسان العقل

در روایتی، امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از چیستی عقل فرمود:

«ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان» سائل در ادامه می پرسد، فالذی كان فی المعاویه؟ امام می فرماید: «تلك التكری و تلك الشیطنه و هی شبیهه بالعقل و لیست بالعقل»... آن شیطنت بود که شبیهه عقل است ولی عقل نیست. (کلینی، ۱۳۹۲: ج ۱، ۴۶)

بر اساس روایات معصومین علیهم السلام نیروی عقل انسان ها با ظهور امام زمان علیه السلام به تکامل می رسد. چنان که می فرماید:

إذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم، و کملت به أحلامهم، ثم مدّ الله فی أبصارهم و أسمعهم حتی لا یکون بینهم و بین القائم حجاب یرید یکلمهم فیسمعون، و ینظرون إلیه و هو فی مکانه! (نعمانی، ۱۳۸۷: ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۲۸)؛

هرگاه قائم ما قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان قرار دهد پس عقل های شان جمع و بردباری شان کامل گردد، خداوند، به دیدگان و گوش های آنها قدرت می بخشد تا آن جا که میان آنان و قائم، فاصله ای باقی نمی ماند. او، با آنان سخن می گوید و سخنان او را می شنوند و به او می نگرند، درحالی که او در جای خود قرار دارد.

در مورد معنای فراز اول حدیث (وضع الله یده) اقوال مختلفی از علمای شیعه بیان شده که برخی از آنها عبارتند از:

حمل بر معنای ظاهری؛ به این معنا که امام زمان علیه السلام دست توانمندش را بر سر اشخاص قرار می دهد و عقل آنها به برکت وجود مقدس امام از طریق معجزه کامل می شود. (قزوینی، ۱۳۱۷: ۶۳۲؛ دریکوندی، ۱۳۹۴: ۱۱۶)

وضع الله یده به معنای تسلط بر مردم از راه اقتناع و تربیت است زیرا تکامل عقل ها فقط از راه تربیت و اعتلای عقلها، افکار و عواطف می باشد. (صدر، ۱۳۸۶: ۵۳۷)

به نظر می رسد این دیدگاه قوی تر است زیرا با توجه به این که شکل گیری رفتار انسان ها تدریجی است، اصلاح، جایگزینی و تربیت نیز باید در بستر زمان صورت گیرد؛ ضمن این که برخی روایات که اقدامات حضرت در راستای تکامل عقول انسان ها - از جمله عرضه حق به مردم، آموزش صحیح باورهای اعتقادی و توجیه عقلانی مردم - را مطرح می نمایند با نظریه فوق سازگارتر است.

در مورد فراز دوم حدیث نیز دو نظر کلی بیان شده است:

الف) جمع عقول همه انسان‌ها بر یک مطلب و از بین رفتن اختلاف اندیشه و ایجاد وحدت بینش‌ها و گرایش‌ها در جهت کمال و توافق انسان‌ها بر یک عقیده و برنامه قانونی واحد.

ب) کامل شدن عقل فرد انسان‌ها (امامی کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۵۰؛ صدر، ۱۳۸۴: ۵۳۷)

همه دیدگاه‌ها بر این مسئله که امام عقول انسان‌ها را رشد می‌دهد و به تکامل می‌رساند اتفاق نظر دارند. با تکامل عقل به عنوان پیامبر درونی، انسان از فضائل اخلاقی بسیاری که در روایات به لشکریان و ثمرات عقل تعبیر شده، بهره‌مند می‌شود. برخی از این ثمرات، در حوزه معرفت از طریق پرورش فکر و ارتقاء علم صورت می‌گیرد و برخی دیگر در حوزه اخلاق و رفتار انسان از طریق تأثیر علم و عقل در عمل ظاهر می‌شود؛ پرورش عقل ثمرات بسیاری برای انسان دارد؛ در روایتی از امام صادق علیه السلام هفتاد و پنج ثمره برای عقل بیان شده که به چند مورد از ثمرات معرفتی اشاره می‌شود. از جمله:

الشهامة وضدها البلادة و الفهم وضده الغباوة و المعرفة وضدها الانكار... والحكمة و  
ضدها الهواء و...<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده:

عاقل ترین مردم کسی است که از همه خوشخوتر باشد (همان: ح ۱۶)

در این حدیث، خوش خویی حاصل تکامل عقل دانسته شده است، بنابراین آن چه در روایات به عنوان لشکریان عقل معرفی شده، مقدمه تکامل عقل بوده و به یک معنا حاصل تکامل عقلی انسان محسوب می‌شود.

با توجه به تعریف عقل بر اساس آیات و روایات باید گفت، کمال چنین عقلی تأیید شدن به نور الهی است که در نتیجه آن، انسان، عالم، حافظ، حاضر الذهن، زیرک و فهمیده خواهد شد. از چگونگی اشیاء و امور باخبر است، نیک و بد را تشخیص می‌دهد و خداوند را خالصانه می‌پرستد. آری عقل، این هادی درونی، انسان را به تفکر در روابط اشیاء، تقویت نیروی اراده، کنترل غرائز و هوای نفس، حاکم کردن اخلاص در ظاهر و باطن، امر می‌کند و باعث می‌شود که

۱. لشکریان عقل عبارتند از: «الخير والایمان و التصديق و الرجاء و العدل و الرضا و الشكر و التوكل و الرأفة و الرحمة و العلم و الفهم و الزهد و الرفق و الرهبة و التواضع و الحلم و الصمت و الاستسلام و التسليم و الصبر و الصفح و القناء و التذکر و الحفظ و التعطف و القنوع و المواساة و المودة و الوفاء و الطاعة و الخضوع و السلامة و الحب و الصدق و الحق و الامانة و الاخلاص و الشهامة و الفهم و المعرفة و المداراة و السلامة و الطيب و الكتمان و الصلاة و الصوم و الجهاد و الحج و صون الحديث و بر الوالدين و الحقيقة و المعروف و التقية و الانصاف و التهمة و النظافة و الحياء و القصد و الراحة و السهولة و البركة و العافية و القوام و الحكمة و الوقار و السعادة و التوبة و الاستغفار و المحافظة و الدعاء و النشاط و الفرح و الالفة و السخاء».



انسان به صورت آگاهانه در عمل نیز به سمت نیکی‌ها رفته و از پلیدی‌ها اجتناب کند. تفصیل این مطلب در بخش رفتار بیان خواهد شد.

بنابراین کمال عقلی پایه و مبنای یک تربیت ریشه‌ای و پایدار است که انسان را در تزامم علائق، به خدا و حب خدا رهنمون می‌شود و این همان حرکت به سوی دین واحد توحیدی اسلام و تسلیم در برابر دستورات الهی است که یکی از دستاوردهای تربیتی حضرت حجت علیه السلام در حوزه معرفت است.

## ۲. تکامل علمی

از جمله دستاوردهای تربیتی حکومت امام مهدی علیه السلام که کاملاً مرتبط با تکامل عقل<sup>۱</sup> (غررالحکم، ۴۳، ش ۷۳) می‌باشد، ارتقاء علم و تکامل علوم مردم است و درباره تکامل علوم در عصر ظهور در روایت آمده است که:

العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جائت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين. فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبها في الناس وضم اليها الحرفين، حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶، ح ۷۳)؛ علم بیست و هفت حرف می‌باشد پس آن چه همه پیامبران آورده‌اند و برای مردم آشکار ساخته‌اند تنها دو حرف آن بوده و مردم هم تا به حال جز با آن دو حرف آشنا نبوده‌اند اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می‌کند و در میان مردم نشر می‌دهد و آن دو حرف گذشته را هم به آن ضمیمه می‌کند تا تمام بیست و هفت حرف انتشار یابد.

واژه علم در آیات و روایات به دو صورت اخص و اعم به کار رفته است؛ در معنای اعم، مطلق علم و دانش را شامل می‌شود که در بردارنده همه اقسام علوم مفید می‌باشد؛ به عبارت دیگر در معنای اعم، گزاره‌ای که گویای حقیقت باشد، علم محسوب می‌شود؛ در این معنا هر دانشی که تامین نیاز حقیقی انسان در دنیا و آخرت را در پی داشته باشد از علوم و حیانی نظیر تفسیر قرآن و فقه تا علوم تجربی نظیر طبابت، شیمی، فیزیک و... علم محسوب می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۷۳-۱۷۱)

اما علم به معنای خاص همان الهیات است، قرآن کریم هدف آفرینش جهان را آگاهی انسان از علم و قدرت الهی معرفی می‌کند. (طلاق: ۱۲) یعنی آگاهی از صفات خداوند را به عنوان علم اعلی و هدف خلقت بر می‌شمارد؛ در احادیث اسلامی نیز هر دو معنای علم بیان

۱. اعون الاشیاء علی تزکیة العقل التعلیم کمک‌کننده‌ترین چیزها در رشد عقل آموختن علم است.

شده است. در روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند:

علم به کثرت آموختن نیست، بلکه نوری است که خداوند در دل هر کسی که بخواهد هدایت نماید قرار می دهد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۲۵).

در این روایت در واقع علم، دانشی مفید است؛ پس اگر در قرآن و احادیث، علم را معیار برتری معرفی می کند و دانشمندان را تشویق می کند، مقصود همه اقسام علوم مفید و دانشمندان همه رشته های مفید و هر علمی است که دارای جهت گیری الهی باشد. حتی علوم تجربی که انسان را از راه طبیعت شناسی، کیهان شناسی و... به خداشناسی رهنمون می شود، به نوعی از علوم الهی محسوب می گردد. اما از آن جا که ارزش هر علمی به معلومات آن است، دانش الهی ارزش بیشتری دارد، به خاطر آن که متعلق آن خداوند و صفات او است. بنابراین علم مذکور، همان نوری است که از عمل به دانش پدید می آید و انجام فضائل و ترک رذائل اخلاقی سبب تقویت آن می شود.

انسان با رسیدن به این مرتبه علم، آیات و بینات انفسی و آفاقی را مشاهده می کند و جهانی علمی می شود همانند جهانی عینی به طوری که به راحتی می تواند بدون امکانات مادی در عالم سیر کند و از آن چه در عالم اتفاق می افتد باخبر شود.

آن چه از ظاهر روایت تکامل علم برمی آید این است که حضرت حجت علیه السلام سفره علم را در بالاترین حد خود می گستراند و هر آن چه از علم و دانش بر انسان ها مخفی بوده، آشکار می سازد به گونه ای که علم مردم به بالاترین حد خود در طول تاریخ جهان می رسد. اما از مجموع روایات برمی آید که این پیشرفت علمی از راه معجزه نیست بلکه تلاش یکایک انسان ها در رسیدن به قله علم موثر است، این مجاهدت انسان ها به اضافه عامل مهم دیگری که قرار گرفتن حضرت حجت علیه السلام در راس تعلیم و تعلم است، سبب دست یافتن به چنین دانشی است. لذا امام امکان بهره مندی از این بیست و هفت حرف را که علم الهی و فراتر از علم اکتسابی است فراهم می کند و انسان ها که اکنون رشد عقلانی نیز یافته اند و می توانند از حقیقت دانش مطلع شوند، از این سفره بهره مند گردند.

امام صادق علیه السلام در توصیف دوران ظهور می فرماید:

گویا می بینم که شیعیان علی علیه السلام قرآن ها را در دست دارند و مردم را آموزش می دهند (نعمانی، ۳۱۸).

در روایات دیگری می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ



### یری آخاه الذی فی المشرق.

یعنی در کنار کشف شدن علوم برای بشر، نورانی شدن درون از طریق تربیت و تزکیه محقق می‌شود. و تربیت و تزکیه به نوبه خود موجب تکامل دانش انسان و بالا رفتن میزان درک بشر و عالم شدن او خواهد شد.

با توجه به آن چه بیان شد می‌توان گفت: تکامل علمی متربی مرهون دو عامل اساسی است؛ عامل اول برخوردار بودن مربی از علم و دانش کافی است و عامل دوم نبود مانع از جانب متربی در فهم و پذیرش علم است؛ در زمان ظهور، مربی انسان‌ها یعنی حضرت حجت علیه السلام، خود، انسان کامل است که به سرچشمه علم لایزال الهی متصل است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، کتاب الحجّه، باب ما اعطی الائمه علیهم السلام من اسم الله الاعظم، ح ۱)؛<sup>۱</sup> از سوی دیگر همان طور که در قسمت قبلی گذشت به برکت وجود و حکومت امام مهدی علیه السلام انسان‌ها تکامل عقلی پیدا می‌کنند و در سایه پذیرش حقیقت و عمل بر اساس آن، موانع فهم و یادگیری علم متربی مثل عدم توان عقلی، آلودگی ظرف وجود انسان و عدم صلاحیت برای پذیرش حقیقت نورانی علم هم برطرف می‌گردد؛ امام با تکمیل دانش و تعلیم حکمت قدسی، درون انسان‌ها را نورانی می‌کند به این معنا که انسان‌ها حق را دانسته و طبق آن عمل می‌کنند؛ عدم پیروی از حق، انسان را دچار مشکلات فراوان علمی و عملی می‌کند و مانع کمال عقل می‌شود؛ حتی ممکن است سبب نقص و زوال عقل شود؛ ضمن این که حق، همان است که از سوی خدای سبحان آمده است:

﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (آل عمران: ۶۰) (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۱۲۲).

لذا انسان‌های عصر ظهور در سایه حضور و ظهور امام زمان علیه السلام با شناخت حق و عمل بر طبق آن به نورانیت درون نائل می‌شوند. با نورانی شدن درون، ظرف وجود انسان برای دریافت علم و حکمت، آماده می‌شود.

### ۳. اعطای حکمت

همان طور که در قسمت پیشین ذکر شد، بر اساس روایات در زمان ظهور در سایه تکامل عقلی و علمی به دل‌های تشنه کمال، حکمت عطا می‌شود «تؤتون الحکمة فی زمانه» (نعمانی، ۱۲۹۷: ۲۳۸).

۱. «اسم الله الاعظم ثلاثة وسبعون حرفاً... و عندنا منه اثنان و سبعون حرفاً و حرف عند الله مستأثر به فی علم الغیب».

حکمت در لغت به معنای رسیدن به حق از راه علم و عقل است (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۲۷). در بیان دیگری علم به حقایق اشیاء آن گونه که هستند و عمل به مقتضای آن علم، حکمت نامیده می شود؛ از این رو حکمت را به علمی و عملی تقسیم کرده اند. (زیبیدی، بی تا: ج ۱۶، ۱۶۰)

آیات قرآن یکی از اهداف رسالت پیامبر اکرم ﷺ را تعلیم حکمت به مردم می داند؛ چنان چه می فرماید:

﴿... إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...﴾ (آل عمران: ۱۶۴).

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیه می فرماید حکمت رأی و اعتقاد محکمی است که کذب با آن مخلوط نباشد و نفع آن هم محکم باشد و ضرری به دنبال نداشته باشد که پیامبر معلم چنین معارفی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ۴۷۷) قرآن، حکمت را خیر کثیر معرفی می کند: ﴿... مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...﴾ (بقره: ۲۶۹) حکمت به معنای که بیان شد آثاری دارد که در روایات این گونه بیان شده:

۱. **خوف خداوند:** چنان که امام سجاد علیه السلام می فرماید: «رأس الحكمة مخافة الله» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۳۷۴)؛ ناگفته پیداست که این خوف ناشی از آگاهی و شناخت است و در پرتو حکمت در دل انسان رسوخ می کند.

۲. **مهار خواسته ها:** امام علی علیه السلام می فرماید: «كلما قويت الحكمة ضعفت الشهوة» (آمدی، ۱۴۱۰: ۹۵، ش ۶۳۴)

۳. **رسیدن به رشد و هدایت:** امام علی علیه السلام می فرماید: «الحكمة ترشد» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۷) واژه رشد در مفردات راغب در مقابل «غی» به معنای گمراهی است پس هرگاه قلب کسی با نور حکمت روشن شود هدایت می شود.

۴. **حق گرایی:** امام علی علیه السلام می فرماید: «رأس الحكمة لزوم الحق» (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۷۶) کسی که به زیور حق آراسته شده همواره بر مدار حق حرکت می کند.

در سایه اعطای حکمت و بهره مندی از آثار آن، انسان به تسلط علمی بر جهان نائل می شود و می تواند به عوالم بالا صعود کرده و با موجودات معقول از جمله فرشتگان مرتبط شود، چنان که امام رضا علیه السلام می فرماید:

إذا قام القائم يأمر الله الملائكة بالسلام على المؤمنين والجلوس معهم في مجالسهم... ومن المؤمنين من يسير في السحاب ومنهم من يطير مع الملائكة ومنهم من يمشي مع الملائكة

مشیا و منهم من یسبق الملائكة... .

نشست و برخاست با ملائکه نشانگر نورانیت درون و اتصال به عالم غیب است از این روست که در روایت چنین آمده است که در زمان ظهور زن خانه دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کند. (نعمانی، ۱۳۷۶: ۱۲۵) قضاوت، کار بسیار دشوار و خطیری است لذا قضاوت زن در خانه در واقع کنایه از رشد علمی و عقلی و تفکر محکم که همان حکمت است، می‌باشد.

#### ۴. غنای درونی

براساس روایات اسلامی انسان‌های عصر ظهور به غنا و بی‌نیازی درونی خواهند رسید، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

تنعم امتی فی زمانه نعیماً لم ینعموا مثله...؛  
در دولت او مردم آن چنان در رفاه و آسایشی به سر می‌برند که هرگز نظیر آن دیده نشده است. (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۶۷)

در جای دیگر می‌فرماید:

زمانی که حضرت مهدی عجل الله فرجه قیام کند خداوند غنا و بی‌نیازی را در دل بندگان می‌نهد به گونه‌ای که حضرت اعلام می‌کند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید ولی برای آن، کسی پیشقدم نمی‌شود (ابن طاووس، ۱۳۸۹: ۷۱) (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۱۳، ۱۸۶) (طیسی نجفی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۷).<sup>۱</sup>

از واژه (عباد) که در حدیث به کار رفته است مشخص می‌شود که این دگرگونی به گروه ویژه‌ای اختصاص ندارد بلکه این دگرگونی درونی در همه انسان‌ها پدید می‌آید و عبارت «یملأ القلوب» که در حدیث به کار رفته می‌رساند که بحث استغنا و بی‌نیازی روح مطرح است لذا در زمان ظهور علاوه بر آن که از نظر مالی در وضعیت خوبی به سر می‌برند، قلب‌های آنان پر از حس بی‌نیازی می‌شود. (طیسی، ۱۳۹۱: ۲۳)

همچنین در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

حضرت مهدی عجل الله فرجه سالی دوبار عطایایی به مردم می‌دهد آن حضرت ماهی دوبار حقوق می‌دهد و بین مردم یکسان رفتار کرده به گونه‌ای که فرد نیازمند زکات در جامعه یافت نمی‌شود. دارندگان زکات، سهم فقیران را نزد آنان می‌آورند ولی آنان

۱. عن النبی صلی الله علیه و آله «إذا خرج المهدي القی الله الغنی فی قلوب العباد حتی یقول المهدي من یرید المال؟ ولایاتیه احد».

نمی‌پذیرند. به ناچار اموال را در کیسه‌های مخصوص پول می‌گذارند و در محله‌ها می‌چرخانند ولی آنان می‌گویند ما را به درهم‌های شما نیازی نیست. (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۹۰)

به نظر می‌رسد غنای درونی و روحی از یک سو معلول عوامل معرفتی مثل رشد عقل و افزایش دانش است زیرا بر اساس مبانی دینی ریشه حرص و طمع در درجه اول نگاه اصالی به دنیا و در درجه دوم باور نداشتن مرگ و در درجه بعد، عدم معرفت انسان نسبت به رازقیت خداوند متعال است.

انسان‌ها به تبع رشد عقل و دانش خود، متوجه ماهیت اعتباری و غیراصیل دنیا می‌شوند و مال و ثروت دنیا را امری لهُو و لعب می‌دانند و در نتیجه بر سر آن با یکدیگر نزاع نمی‌کنند. هرچند از امکانات دنیا بهره می‌برند اما دنیا محبوب و مسجود آنان نیست. لذا مال‌اندوزی به انگیزه برتری جویی بر یکدیگر از بین خواهد رفت.

از سوی دیگر غنا و بی‌نیازی معلول عوامل عاطفی مثل جای گرفتن ملکه اعتدال در قلب انسان است و یکی از نمودهای حرکت در مسیر اعتدال در عصر ظهور، غنا و بی‌نیازی است. پس عدم ستیز مردم برای به دست آوردن مال و برداشتن از بیت‌المال در حد نیاز خود و فکر فردا نبودن صرفاً ناشی از زیاد شدن ثروت و اموال نیست، چراکه امام علی علیه السلام فرمود: دو گرسنه هرگز سیر نمی‌شوند، یکی طالب علم و دیگری طالب دنیا<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: ۷۳۸، ح ۴۵۷)

#### ب) دستاوردهای تربیتی حکومت امام مهدی علیه السلام در بعد عاطفی

تحول در بعد عاطفی در واقع معلول تحول در بعد معرفتی است؛ به عبارت دیگر زمانی انسان نسبت به شیئی کشش و گرایش پیدا می‌کند که آن را شناخته باشد. چراکه به صورت عام، ابعاد وجودی انسان‌ها با هم مرتبط می‌باشند و ادراکات و گرایش‌های انسان به صورت خاص با هم ارتباط دارند و بر هم تأثیرگذارند. در حدیث قدسی آمده است که خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام فرمود:

احِبِّني وَ حِبِّني اِلی خَلْقِي. قال: يارب نعم انا احبك فكيف احببك اِلی خَلْقِك؟ قال اذْكُر اِبادِي عِنْدَهُمْ فَانك اذا ذكرت ذلک لهم احبوني؛

مرا دوست بدار و محبوب نزد خلقم گردان. حضرت داوود علیه السلام عرض کرد پروردگارا آری من تو را دوست دارم اما چگونه تو را محبوب خلق گردانم؟ خداوند فرمود: نعمت‌هایم

۱. «مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْتَعَان، طَالِبٌ عِلْمٍ وَ طَالِبٌ دُنْيَا».

را برای آنان ذکر کن که اگر تو نعمت‌هایم را به آنان یادآور شوی مرا دوست خواهند داشت. (مجلسی، ۱۴، ۳۸)

لذا می‌توان گفت یادآوری و اندیشیدن به چیزی پایه کسب معرفت نسبت به آن است و معرفت، باعث ایجاد کشش و گرایش نسبت به آن خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت که معرفت و شناخت نسبت به پروردگار متعال موجب جای گرفتن عشق و محبت الهی در دل انسان می‌گردد و هر چه این معرفت بیشتر شود، عشق و محبت که پایه تغییر و تحول در وجود انسان است، بیشتر شده و باعث می‌شود انسان در تراجم علائق، عشق‌های پایین‌تر را رها کند. امام زمان علیه السلام نیز همچون ابناء طاهرینش در کنار تربیت بعد ادراکی و شناخت مردم عصر ظهور، به تربیت بعد گرایشی و عاطفی مردم می‌پردازد. برای توضیح چگونگی تربیت بعد عاطفی انسان‌ها توسط امام، ابتدا به تعریف و تشریح عاطفه می‌پردازیم:

#### تعریف عاطفه

عطف در لغت به معنای تمایل و مهر و علاقه خویشی و قرابت و شفقت است. (عمید، ۱۳۳۷: ۸۷۶)؛ از دیدگاه روان‌شناختی اسلام، انسان دارای دو نوع عواطف است: نوع اول، احساسات غریزی و نوع دوم عواطف عالی انسانی می‌باشد؛ عنصر مشترک هر دو نوع از عاطفه انسانی، گرایش و کشش نسبت به یک موجود می‌باشد؛ در واقع بُعد عاطفی، تمام گرایش‌ها و تمایلاتی را در برمی‌گیرد که در رفتار انسان جلوه پیدا می‌کند؛ (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۴: ۵۴)

در کنار اشتراک این دو نوع که آنها را ذیل یک عنوان قرار داده است، تفاوت‌هایی نیز به چشم می‌خورد: احساس از جنس ادراکات حسی است که ریشه بیولوژیک و فیزیولوژیک دارد و به صورت غیر ارادی یا نیمه ارادی بوده و منشأ معرفتی ندارد، بلکه ناشی از جاذبه و فشار درونی و غریزی انسان می‌باشد؛ مثل احساس گرسنگی و تشنگی؛ همچنین قابل تغییر با ابزار فیزیولوژیک و بیولوژیک می‌باشد برای مثال احساس غم را می‌توان با دارو به نشاط تبدیل کرد ولی عاطفه را نمی‌توان با دارو تغییر داد، بلکه فقط با ابزار معرفتی قابل تغییر است چراکه عواطف عالی انسان کاملاً آگاهانه هستند و منشأ معرفتی دارند. زیرا عاطفه پس از ادراکات قلبی در قلب شکل می‌گیرد؛ به همین دلیل شکل عاطفه نیز متناسب با نوع ادراکاتی است که در قلب صورت گرفته است و قلب دستور صدور عاطفه خاصی که متناسب با ادراک و تجزیه و تحلیل قلب است را بر مغز صادر می‌کند تا مغز آن را اجرا نماید. البته گاهی احساس و عاطفه در هم می‌آمیزد و به صورت ترکیبی از عاطفه و احساس در رفتار انسان ظاهر می‌شود. به عنوان مثال آثاری که در رفتار انسان هنگام رؤیت محبوب یا دشمن نمایان می‌شود، مستند به

احساس و عاطفه است به این صورت که معرفت و ادراک قلب نسبت به شخص خاص منجر به صدور دستور عاطفه خاص به مغز می‌شود و هنگامی که مغز آن دستور را اجرا می‌کند ضربان قلب تشدید می‌شود. پس در مثال فوق، احساس و عاطفه هر دو دخیل می‌باشند. (زاهدی، ۱۳۸۵: ۳۶۴)

### تربیت عاطفی

باتوجه به مطالب پیشین و ارتباط شناخت و گرایشات، تربیت عاطفی انسان متوقف بر تربیت بُعد عقلانی و ادراکی اوست. در واقع برای تربیت عاطفه انسان، باید بینش و معرفت او را تربیت و شکوفا نمود. در منابع تربیتی، تربیت عاطفی را چنین تعریف کرده‌اند:

تربیت عاطفی به معنای هدایت و مهار عواطف و احساسات، شکوفاسازی آنها و بهره‌گیری از آنها در جهت خیر و سعادت انسان است (قربانی، ۱۳۸۲: ۸۸).

امام عصر علیه السلام همگام با ارتقاء علمی و عقلی مردم، بُعد عاطفی آنها را نیز تربیت و تقویت می‌نماید که در اثر چنین تربیتی، عواطف و احساسات مردم به مسیر صحیح هدایت شده و از انحراف و خطا مصون می‌ماند. اگر عاطفه انسان با محبت پرشد و حالت‌های مختلف عاطفه از جمله خشم، غم و شادی انسان مهار و به مسیر اصلی هدایت شد، احساسات و عواطف یاریگر فرد در مسیر کمال خواهند شد.

در ادامه به روند تربیت عاطفی توسط امام زمان علیه السلام می‌پردازیم:

#### ۱. رساندن به عشق برتر

بُعد عاطفی یا تمایلات و گرایشات انسان‌ها رابطه تنگاتنگی با محبت دارد؛ در واقع مهم‌ترین نمود عاطفه، محبت می‌باشد. انسان‌ها به هر اندازه از آگاهی و شناخت و ادراکات عمیق قلبی و اراده بیشتر برخوردار باشند، عواطف عالی انسانی بیشتری از خود بروز می‌دهند؛ به عنوان مثال رفتار محبت‌آمیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل فرد یهودی که خاکروبه بر سر ایشان می‌ریخت، نشان از عواطف عالی و شگفت‌انگیز حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به خداوند متعال و در نتیجه نسبت به مخلوقات حضرت حق می‌باشد؛ زیرا شناخت کمالات هر چیزی سبب شوق و محبت به آن شده و هر چه معرفت نسبت به آن افزون گردد، میل و توجه نیز نسبت به آن شدت می‌یابد (یزدانی، ۱۳۹۲: ۲۸)؛ از این رو انبیاء و اولیاء به لحاظ کمال علمی که دارا بودند، عواطف عالی انسانی قوی‌تری نسبت به دیگران داشتند.<sup>۱</sup>

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷).



شدت عاطفه امام نیز امری مسلم و قطعی است؛ همان گونه که امام حسین علیه السلام می فرماید:

اوسعکم کھفا واکثرکم علما و اوصلکم رحما؛

(حضرت مهدی علیه السلام) از همه شما مردم را بیشتر پناه می دهد و... رحمت و لطفش از

همه فراگیرتر است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۲).

هم چنین امام رضا علیه السلام می فرماید:

اشفق علیهم من آبائهم و امهاتهم؛

امام دلسوزتر است بر مردم از پدران و مادران شان (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ۴۱۸).

چراکه همچون پیامبر، انسان کامل بوده و به لحاظ علم و معرفت، به فعلیت کامل رسیده است؛ از این رو تمام شقوق عاطفه عالی در وجود امام به نحو اکمل، ظهور پیدا کرده است. به عبارت دیگر امام دارای محبت بی ساحل خداوند است.

بنابراین امام، به عنوان شخصی که در تمام ابعاد، تربیت یافته، در راستای تربیت انسان های عصر ظهور بعد از تکمیل عقول و علوم مردم آن عصر، ادراکات قلبی آنها که پایه های عاطفه می باشند را عمیق تر ساخته لذا عواطف عمیق تری از خود بروز خواهند داد؛ امام آنها را به عشق برتر که همان محبت یگانه خالق هستی است، راغب می نماید تا از این طریق، انسان ها را در مسیر کمال که همان رسیدن به قرب الهی و مقام خلیفة اللہی است قرار دهد؛<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۴، ۹) چراکه عشق و محبت باعث انقلاب ماهیت عاشق شده و بینش و گرایش او را منقلب می سازد؛ به گونه ای که دیگر خویشتن را ندیده و فقط نگاهش به معشوق است تا همواره رضایت او را کسب نماید (ر.ک: حسینی، ۱۳۷۹: ۲۳۷).

از این رو مردم عصر ظهور در تمام امور زندگی، نگاه شان به موجود والا و کاملی است که معشوق حقیقی آنهاست و همواره به دنبال کسب رضایت آن معشوق می باشند لذا محبت و عشق به خدا سرلوحه گرایشات قلبی آنها می باشد؛ به گونه ای که مصداق کامل آیه «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵) می گردند.

لازم به ذکر است که سرعت و شدت انقلاب ماهوی عاشق به شدت محبت او نسبت به معشوق، بستگی دارد؛ هر چقدر شدت محبت انسان به موجود کامل بیشتر باشد، سرعت تغییر و تحول و هم رنگ معشوق شدن وی بیشتر خواهد بود امام عصر علیه السلام پس از ظهور با رفتار

۱. امام صادق علیه السلام: «اهدنا الصراط المستقیم یعنی ارشدنا الی لزوم الطريق المؤدی الی محبتک».

عاطفی و عادلانه خویش باعث جذب دل‌های حقیقت‌جو شده و آنها را حول محور واحد که همان حضرت حق می‌باشد، جمع نموده و آنها را به توحید در محبت می‌رساند.

## ۲. ولایت‌پذیری و بی‌زاری از دشمنان (تولی و تبری)

انسان‌های تحت ولایت و حکومت امام مهدی علیه السلام در نتیجه تربیت شدن به دست ولی خدا، عشق به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خواهند داشت و در مسیر رضایت آنها حرکت خواهند کرد. چون مردم به امام عشق می‌ورزند (کورانی، ۱۴۳۰: ج ۱، ۲۵۸)<sup>۱</sup> و امام نیز به آنها عشق می‌ورزد و محبت می‌کند؛ در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که:

يكون أولى بالناس من أنفسهم، وأشفق عليهم من آبائهم وأمهاتهم، ويكون أشد الناس تواضعا لله عزّو جلّ، ويكون أخذ الناس بما يأمر به، وأكف الناس عمّا ينهى عنه (بیزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۰).

همچنین می‌فرماید:

الامام، الانيس الرفيق والولد الشفيق والاخ الشقيق والام البرة بالولد الصغير مفرج العباد في الداهية الناد (کلینی، ج ۱، کتاب الحجّة، ۲۰۰، ح ۱).

لذا به ندای حضرت، لبیک می‌گویید و به هر امری دعوت می‌کند، پاسخ می‌دهند. این محبت از دو جهت باعث رشد آنها می‌شود:

الف) محبت به ولی خداوند آثار وضعی خود را دارد و مهم‌ترین اثر وضعی آن تربیت انسان است؛ به این صورت که باعث بیداری نفس انسان و توجه او به وظایفش می‌شود.

ب) محبت امام سبب جمع شدن مردم به دور امام و بهره‌مندی از فیوضات امام می‌شود. بنابراین امام با تربیت بُعد عاطفی انسان‌ها، ولایت‌پذیری و بی‌زاری از دشمنان را در مردم زمان ظهور ایجاد می‌کند که در نتیجه آن مردم ولایت‌پذیر و طاغوت‌ستیز خواهند شد یا به تعبیر دیگر به معنای واقعی کلمه، تولی و تبری خواهند داشت؛ همان‌طور که در روایت چنین آمده است:

يدعو الناس إلى كتاب الله وسنة نبيه والولاية لعلّ بن ابى طالب والبراءة من عدوه (عیاشی، ج ۲، ۵۷، ح ۴۹؛ مجلسی، ج ۵۲، ۳۴۲)؛

او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، دوست داشتن و محبت به علی بن ابی طالب علیه السلام و بی‌زاری از دشمنان او دعوت می‌کند.

۱. «تأوی إلى المهديّ أمة كما تأوی التحل إلى يعسوبها».

### ۳. رفع کینه‌ها و کدورت‌ها از دل‌های مؤمنین

کسی که از نظر عاطفی تربیت یافته است، در کنار عشق به خدا و اهل بیت علیهم‌السلام، به دیگران نیز عشق می‌ورزد و محبت می‌کند. برای آدمی، زمانی زندگی دلچسب و رضایت‌بخش است که توأم با مهربانی و الفت باشد؛ تمامی سفیران الهی در دوران نبوت خود به این موضوع تأکید داشته‌اند و جوامع بشری را به سوی این خصلت خداپسندانه راهنمایی نموده‌اند. در زمان امام مهدی علیه‌السلام علاوه بر این که در اثر تربیت امام، خود مردم دارای این صفت خواهند بود، خداوند نیز با نظر لطف خود محبت نسبت به دیگران را در دل‌های مردم ایجاد می‌کند؛ آن‌جا که می‌فرماید:

والقی الرأفة والرحمة بینهم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۸۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۷، ۲۹۰).

همچنین در روایتی دیگر آمده است:

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: اگر قائم ما قیام کند... کینه‌ها و ناراحتی‌ها از دل بندگان خدا زائل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۱۶).

این روایت نشان از محبت مردم به همدیگر می‌باشد که در سایه اقدامات سرشار از عدل حضرت برای تربیت انسان‌ها حاصل آمده است؛ بنابراین از جمله دستاوردهای تربیتی در بُعد عاطفی، امام زمان علیه‌السلام از بین رفتن کینه‌ها و رواج محبت در بین مردم است.

### ۴. اعتدال در همه امور از جمله احساسات و عواطف

فردی که واجد فضائل اخلاقی است قطعاً نفس او دارای ملکه عدالت می‌باشد؛ از جمله معانی به کاربرده شده برای عدل، دوری از افراط و تفریط یا اعتدال در امور است؛ انسان عصر ظهور در تمام امور و افعال خود در مسیر اعتدال قدم برمی‌دارد زیرا واقعیت عدل را که حضرت حجت علیه‌السلام متجلی ساخته است، با بصیرت خود مشاهده می‌کند در نتیجه قلب او از تعلق به غیرخدا آزاد می‌شود و در قلبی که توجه، صرفاً معطوف به معبود حقیقی است جایی برای خشم و غضب و... که افراط یا تفریط در بُعد عاطفی است، نمی‌ماند، بلکه متصف به صفات الهی می‌گردد و در تمام عواطف و احساسات خود راه اعتدال را پیش می‌گیرد. لذا کاملاً شاد و راضی است چنان‌که در روایت آمده:

المهدی اذا خرج یفرح به جمیع المسلمین خاصتهم و عامتهم؛

آن هنگامی که مهدی علیه‌السلام ظهور کند همه مسلمانان شاد هستند چه خواص آنان و چه عوام آنان (کامل: ۳۹۵).

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

یرضی فی خلافته أهل الأرض و اهل السماء و الطیر فی الجوّ؛

در ایام خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا خوشنود و راضی هستند (اربلی، ج ۳، ۲۵۹).

این رضایت و خوشنودی، حاصل قرار گرفتن انسان در صراط مستقیم است، بر اساس آیات و روایات اگر انسان در مسیر الهی باشد و بندگی کند و استغفار داشته باشد، از برکات آسمان و زمین برخوردار می‌گردد. در واقع اگر انسان هماهنگ با هستی عمل کند همه کارهای فردی و اجتماعی او درست خواهد شد. مانند بذری که در روی تپه‌ای که باران زیاد به آن می‌خورد کاشته شود، طبیعی است که حاصل این بذر چند برابر خواهد شد. زیرا در مسیر هماهنگ با هستی است.

اگر ما و جامعه ما هماهنگ با هستی شویم، برکات نازل می‌شود و همه چیز به اعتدال می‌رسد، کما این که در همین زمان هم برای مثال اگر مالی در مسیر غلط خرج شود، آسیب‌هایی به دنبال دارد و موجب حسرت انسان می‌شود اما اگر انسان مال را در مسیر صحیح خرج کرد از ثمرات آن بهره‌مند می‌شود. در زمان ظهور انسان‌ها با نظام هستی هماهنگ می‌شوند زیرا غایت هستی بندگی و عبودیت خداوند است و انسان‌ها در آن زمان بنده می‌شوند یعنی تمام انگیزه‌ها، رفتارها و گفتارها و افکار انسان همه و همه به امر خداوند می‌چرخد و انسان در برابر مولا رام و نرم می‌شود و در نتیجه با هستی هماهنگ شده و از برکات آن برخوردار می‌گردند.

#### ۵. آرامش روحی - روانی

یکی از نتایج و آثار تربیت در حکومت مهدوی، امنیت و آرامش مردم می‌باشد؛ چراکه وقتی رذائل از جامعه رخت بریست و جای خود را به فضائل اخلاقی داد قطعاً اثر چنین جامعه تربیت یافته‌ای وجود امنیت روحی و روانی برای انسان خواهد بود. قال الباقر علیه السلام:

إذا قام القائم اذهب الله عن كل مؤمن العاهة و رد الیه قوته؛

چون قائم ما قیام فرماید خدا از همه مؤمنان هرگونه درد و بیماری را برطرف سازد و نیرو و قوه آنان را به ایشان برمی‌گرداند (سلیمان، ۱۴۲۷: ۲۱۹).

قال الباقر علیه السلام:

من ادرك قائم اهل بیته من ذی عاهة بری، و من ذی ضعف قوی؛

هر کس قائم علیه السلام را درک کند و دارای درد و بیماری باشد بهبودی یابد و هر ناتوانی او را دریابد نیرومند گردد (همان).



انسان برای رسیدن به آرامش روحی - روانی نیاز به رشد عقل و تشخیص امور اصالی از امور اعتباری در زندگی دارد و همچنین نیازمند قرار گرفتن در مسیر محبت و مملو شدن از محبت اصیل می باشد که هر دو مورد با ظهور امام و حضور اثرگذار ایشان محقق می گردد لذا انسان های عصر ظهور در سایه تکامل عقل و عاطفه به چنان آرامش روحی می رسند که حزن و خوفی آنها را فرا نمی گیرد و مصداق آیه می گردند که می فرماید:

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾  
(بقره: ۱۱۲).

همچنین امام صادق علیه السلام ذیل آیه «أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (انعام: ۱۵۸) می فرماید:

یعنی خروج القائم المنتظرنا، ثم قال علیه السلام: يا أبا بصير طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته، والمطيعين له في ظهوره، أولئك أولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون (شيخ صدوق، ۳۵۷).

همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

به هنگام فرارسیدن امر ما (حکومت مهدوی) خداوند ترس را از دل های شیعیان بر می دارد و در دل دشمنان ما جای می دهد، در آن هنگام هر یک از شیعیان ما از نیزه برنده تر و از شمشیر تیزتر است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۲۶).

آن چه از روایات فوق برمی آید این است که هیچ گونه خوفی در دل مردم قرار نمی گیرد چراکه در سایه حکومت سرشار از عدل حضرت حجت علیه السلام خطری آنها را تهدید نمی کند؛ از طرفی بنابر آن چه در قسمت های قبلی بیان شد، انسان های عصر ظهور، در سایه تربیت مهدوی، افرادی عالم و عاقل هستند که با انجام فضائل اخلاقی به نورانیت درون رسیده اند؛ قطعاً چنین انسان هایی به فرموده قرآن، دارای طمأنینه قلبی بوده و هیچ خوف و حزنی آنها را فرا نمی گیرد.<sup>۱</sup> از این رو در درون خود و در جامعه آرامش خواهند داشت؛ زائل شدن ترس و داشتن آرامش، معلول تعادل گرایشات انسان و وجود امنیت در جامعه عدالت محور است. بنابراین اگر جامعه از هر لحاظ در امنیت باشد قطعاً نتیجه آن ایجاد امنیت روحی - روانی برای مردم آن جامعه خواهد بود. لذا می توان گفت یکی از دستاوردهای تربیتی حکومت امام علیه السلام امنیت و آرامش است که بازتاب تربیت و رسیدن به اعتدال روحی انسان ها می باشد.

۱. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)

### ج) دستاوردهای تربیتی حکومت امام مهدی علیه السلام در بعد رفتار

انسان موجود شگفت انگیز و پیچیده‌ای است که خداوند متعال برای رسیدن او به کمال شایسته خویش ابزار و نیروهایی را در قالب قوای متعدد در وجودش به ودیعه گذاشته است؛ چگونگی حرکت انسان در جهان هستی و نحوه زندگی او فرایندی دارد که معلول شناخت‌ها و گرایشات (عواطف) و رفتار فرد می‌باشد.

هریک از سه محور شناخت، گرایش و رفتار کاملاً باهم مرتبط هستند؛ به این صورت که گرایشات انسان متأثر از بُعد شناخت و معرفت اوست و رفتار انسان متأثر از شناخت‌ها و گرایشات او می‌باشند.

#### ۱. تعریف رفتار

هر فعالیت عملی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی و پنهان، اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و عقلی می‌باشد، خواه یک عمل خاص یا مجموعه‌ای از اعمال باشد را رفتار گویند. (آشتیانی، ۱۳۸۸)

روان‌شناسی معتقد است اساس رفتارهای انسان و حتی جهت و چگونگی آنها، معلول گرایشات و انگیزه‌های او می‌باشد. از این رو اگر انگیزه‌های انسان اصلاح نشود، رفتار او نیز صحیح نخواهد بود. در واقع عوامل درونی انسان، نوع، چگونگی و شکل عمل او را ترسیم می‌کنند و افراد به رفتاری مبادرت می‌ورزند که به باوری درونی نسبت به آثار و نتایج آن رسیده باشند؛ در این صورت است که اراده به صدور یک رفتاری از انسان تعلق می‌گیرد. (رک: غیاثی، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۰)

رفتار انسان همواره به این صورت نیست که قابل مشاهده برای دیگران باشد گاهی انسان در حریم خصوصی خویش رفتار انجام می‌دهد که برای دیگران قابل مشاهده نیست. بنابراین رفتار انسان ممکن است ظاهری یا پنهانی باشد. خداوند متعال در قرآن کریم به این قسم از رفتار اشاره می‌کند «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر: ۱۹)

امام زمان علیه السلام با به کاربردن روش‌های مختلف تربیتی، مردم را چنان تربیت می‌کند که باطن آنها پاک شده و ظاهرشان نیز به تبع باطن از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها می‌رهد. بر اساس آنچه در این مقال گذشت رفتار و عمل انسان تابع انگیزه‌ها و گرایش اوست؛ گرایشات نیز از شناخت و معرفت سرچشمه می‌گیرد. قرآن کریم در باب متأثر بودن ظاهر از باطن می‌فرماید هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت آن حاکی از تقوای دل‌ها است (حج: ۳۲) همچنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

فساد ظاهر ناشی از فاسد بودن باطن است و کسی که سرشت و باطن خویش را اصلاح کند خداوند ظاهر او را اصلاح خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۳، ۳۹۵).

بنابراین شخصی که بخل یا حسد یا تکبر در روح و قلب او جای گرفته باشند طبیعی است که رفتارش نیز به همان رنگ در می آید.

امام نیز با ارتقاء معرفت و معتدل ساختن عواطف آدمی او را به سمت رفتار و عملکرد صحیح رهنمون می شود. با بالا رفتن علوم و تکامل عقل، انسان به فضایل اخلاقی روی می آورد و در نتیجه آن، رفتار انسان نیز خالی از هرگونه گناه و انحراف یا افراط و تفریط خواهد بود. نتیجه طبیعی این فرایند، بروز و ظهور رفتار توحیدی از انسان هاست. چنانچه در روایتی در رابطه با یاران امام زمان علیه السلام آمده است:

...مَجْدُونَ فِي طَاعَتِهِ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۱۱).

مردم عصر ظهور ذیل تربیت امام عصر علیه السلام مطیع امر ولی معصوم شده و این امر در رفتار آنها نمود پیدا می کند.

### دستاوردهای تربیتی در بُعد رفتار

#### ۱. احترام به حدود الهی و حرکت در مسیر رضایت حق تعالی (تقوا)

انسان تربیت یافته به دست امام عصر علیه السلام تقوا و اجتناب از گناه را سرلوحه کار خود قرار می دهد و در تمام لحظات زندگی به دنبال کسب رضایت حضرت حق بوده و حدود الهی را رعایت می نماید؛ چنانچه در رابطه با منتظران واقعی حضرت مهدی علیه السلام امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

... قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ...؛

هر کس که بودن در شمار یاران قائم علیه السلام او را شادمان سازد و در حالی که منتظر است، ورع را پیشه سازد و به محاسن اخلاق عمل کند... (نعمانی، ۲۰۰).

وقتی یکی از ویژگی های انسان منتظر، تقوا است پس به طریق اولی انسان عصر ظهور از این خصوصیت بهره مند می شود.

از این رو انسان تربیت یافته در عصر ظهور رفتار و عملکردش در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً بر اساس حدود و موازین الهی می باشد؛ به تعبیر دیگر انسان عصر ظهور، فردی است که توحید در تمام زندگیش بروز و ظهور پیدا کرده است.

انسانی که در زیر لوای عدالت‌گستر حضرت حجت علیه السلام تربیت یافته است، معشوق برتر و حقیقی‌اش خداوند متعال است و در تمام ابعاد، یگانه پرست خواهند بود؛ تنها خالق، تنهارب، تنها اله، تنها فاعل را پروردگار عظیمی می‌داند که جهان و هر چه در او هست از خوان رحمت و نعمت اوست، لذا به دستورات او گوش فرا می‌دهد و روابطش را با خدا و دیگران و خودش تصحیح می‌نماید. چنین انسانی تمام تلاش خویش را در راه پرستش حضرت حق، رعایت حقوق دیگران و ظلم نکردن به خود به کار می‌گیرد. لذا گفته می‌شود که انسان‌های عصر ظهور تحت تربیت ولی خدا، رفتاری توحیدی خواهند داشت. به مواردی از این رفتارها در روایت اشاره شده است:

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

در این زمان قائم ما قیام کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد آورد  
(نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۰۶).

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

به خدا سوگند ای مفضل (امام قائم) از میان ملت ما و آیین ما اختلاف را بر می‌دارد و یک دین بر همه حاکم می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۲، ۱۰۴).

آن‌چه از این دو روایت بر می‌آید این است که امام انسان‌ها را با توحید و وحدانیت آگاه ساخته و حقیقت را برای آنها روشن می‌سازد؛ پس هیچ‌گونه اختلافی بین آنها پیش نخواهد آمد و در یک دین واحد و آئین و روش واحد اجتماع خواهند کرد.

## ۲. انجام واجبات و اجتناب از محرمات

امام مهدی علیه السلام خلیفه الهی در زمین است که مردم را به سوی انجام فضائل و اجتناب از رذائل دعوت خواهد کرد چراکه راه حرکت به سوی کمال و قرب الهی جز از این طریق حاصل نمی‌گردد و هدف مهم رسالت انبیاء و امامت ائمه هدی علیهم السلام در قرآن کریم به همین مطلب اختصاص یافته است؛ (جمعه: ۲) با توجه به مطلب پیشین مردم عصر ظهور، مطیع امام عصر علیه السلام خواهند بود؛ هنگامی که آنان، مطیع ولی زمان، حضرت حجت علیه السلام باشند قطعاً به دعوت امام زمان علیه السلام لبیک گفته و به حسنات و فضائل روی می‌آورند و از رذائل دوری خواهند کرد.

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».



حکومت امام زمان علیه السلام در عصر ظهور، تنها حکومتی است که می‌تواند به نحو اتم، فضائل اخلاقی را در جامعه جاری و ساری ساخته و ریشه تمام رذائل را از آن برگند، که این مهم در سایه برنامه تربیتی کامل و جامع بزرگ مربی انسان، حضرت امام مهدی علیه السلام حاصل می‌آید؛ همان‌طور که خداوند حکیم در کتاب مقدس قرآن می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱).

در زمان ظهور، به یمن وجود با برکت آخرین ذخیره الهی نماز که ستون دین است، برپا می‌گردد، زکات پرداخت می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر با تمام ابعادش اجرا می‌گردد؛ در چنین عصری است که بخش نیازمند و بی‌نیاز جامعه با پرداخت زکات به هم پیوند خواهند خورد و خوبی‌ها و زیبایی‌ها با امر به معروف و نهی از منکر پیوسته محقق گشته و پلیدی‌ها و زشتی‌ها با نهی از منکر از میان جامعه مهدوی رخت خواهد بست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۶۹) در همین رابطه، روایت معصوم علیه السلام چنین می‌فرماید:

در آخر الزمان و شدت روزگار و جهالت مردمان، خداوند مردی را برمی‌انگیزد که او را با فرشتگانش تأیید می‌کند و... در زمان او شخص ناشایستی نمی‌ماند جز این که به صلاح و تقوی می‌گراید<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۸۰).

انسان عصر ظهور در سایه بصیرت اخلاقی دنیا را فقط دار امتحان و گذر می‌بیند و وظیفه و راه نجات خود را در فضیلت‌گرایی می‌داند و با پی بردن به زشتی انحرافات و رذائل از آنها دور شده و به فکر آباد کردن آخرت می‌افتد. (ر.ک: کارگر، ۱۳۸۷) آن چنان که در روایت آمده است:

يذهب الشرُّ ويبقى الخير... يذهب الزُّنا و شرب الخمر و يذهب الربا؛  
شر از بین می‌رود و خیر باقی می‌ماند... زنا و شراب خواری و ربا ریشه‌کن می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۵۹۲، ح ۴).

یا این که می‌فرماید:

لا يترك بدعة إلا أزالها و لا سنه إلا أقامها؛

هیچ بدعتی نیست مگر این که مهدی علیه السلام آن را خواهد زدود و سنتی نیست جز این که آن را برپا خواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۲۹).

۱. عن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، عن أبيه صلوات الله عليهما قال: «بيعت الله رجلا في آخر الزمان، و كلب من الدهر و جهل من الناس يؤيده الله بملائكته... لا يبقى كافر إلا آمن، ولا طالع إلا صلح...».

با نظر به مطالب فوق، می‌توان گفت در عصر ظهور شر و رذیله‌ای وجود ندارد و آن چه در جامعه دیده می‌شود فضیلت و خیر است؛ پس، حاکم شدن فضائل اخلاقی به عنوان لشگریان عقل که در بحث معرفت اشاره شد در متن زندگی انسان‌های عصر ظهور، یکی از دستاوردهای تربیتی حکومت حضرت حجت علیه السلام می‌باشد.

### ۳. رفتار محبت‌آمیز با دیگران

مردم در عصر ظهور نسبت به هم مهربان هستند و در رفتار و عمل خویش حفظ احترام و ابراز محبت را سرلوحه رفتار خود قرار می‌دهند که این احترام و محبت، زندگی را برای آنها شیرین می‌سازد؛ در روایتی آمده است:

بزرگ‌تر به کوچک‌تر رحم می‌کند و کوچک‌تر به بزرگ‌تر احترام می‌گذارد و به حق گردن می‌نهند و با دین حق عدالت می‌گسترانند و با حکم آن حکم می‌نمایند و آنان دوستان من هستند (کورانی، ۱۴۲۸: ج ۷، ۲۹۰).

البته در زمان ظهور، این مهربانی فقط بین انسان‌ها نیست بلکه همه موجودات عالم که مخلوق پروردگار علیم و حکیم می‌باشند، به همدیگر مهر می‌ورزند؛ حضرت مهدی علیه السلام شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود درآورد، گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی کنند، کودکان خردسال با مارها و عقرب‌ها بازی کنند و آسیبی به آنها نرسد. شَرّ از جهان رخت بریندد و تنها خیر باقی بماند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۴۷۴).

### ۴. مسؤلیت‌پذیری نسبت به همدیگر

انسان‌های عصر ظهور، تحت تربیت امام مهدی علیه السلام رفتاری برادرانه با دیگران خواهند داشت به گونه‌ای که بی‌هیچ چشم‌داشتی تمام دارایی خود را در اختیار برادران دینی قرار خواهند داد و احساس مسؤلیت نسبت به آنها خواهند داشت. در روایت معروفی آمده است که: هنگامی که قائم ما قیام کند، دوران برادری و برابری فرا می‌رسد؛ در آن زمان یک مسلمان آن چه نیاز دارد از جیب برادر مسلمانش برمی‌دارد و او مانع نمی‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۷۲).

این حس برادری و برابری باعث می‌شود انسان‌ها نسبت به هم مسؤلیت‌پذیر باشند؛ انسان‌های مسؤلیت‌پذیر در جهت حل مشکلات یکدیگر تلاش می‌کنند. مردمان در پرتو ایمان چنان به یکدیگر پیوند می‌خورند که چونان پیکری واحد می‌شوند، گمراه شدن و فساد یکی را مانند وارد شدن فساد در بدن خود می‌دانند تا جایی که به دیگران می‌اندیشند. درد و رنج

دیگران، آنها را به درد می‌آورد و آسایش و امنیت و هدایت همگان را طلب می‌کنند. مؤمن با این که خودش احتیاج به چیزی دارد، اما دیگران را بر خود ترجیح می‌دهد. تا آن جا که بر اداری از جیب برادر پول برمی‌دارد.

در زمان ظهور این تکافل و عهده‌داری و مسئولیت، همگانی می‌شود. البته قطعاً در میزان آن اختلاف وجود دارد زیرا همه انسان‌هایی که تحت تربیت امام قرار می‌گیرند، ظرفیت یکسان ندارند. این که می‌گوییم امام همه انسان‌ها را تربیت می‌کند، به این معنا نیست که همه به یک مرتبه و درجه می‌رسند، بلکه با وجود واحد بودن تربیت امام، ظرفیت‌های انسان‌ها متفاوت است و برخورداری انسان‌ها به میزان اقبال و ادبار آنها است، اما امام رحمت، تربیت را از کسی دریغ نمی‌کند هم‌چنان که همه اعراب حجاز برخوردار از تربیت پیامبر ﷺ بودند اما نتیجه یکسان نبود. یکی ایمان می‌آورد و چنان تربیت می‌شود که تا لحظه مرگ ذره‌ای از اهداف اسلام فاصله نمی‌گیرد مثل ابوذر و مقداد و سلمان و... و یکی ایمان می‌آورد اما به ایمان خود باقی نمی‌ماند و یکی هم اصلاً ایمان نمی‌آورد اما در هر صورت امام و پیامبر مظهر رحمت خداوند است و مانند خورشید به همه انسان‌ها می‌تابد.

امام قله حرکت انسان را نشان می‌هد و نگاه او را از طریق افزایش دانش و تکمیل عقول و بندگی و عبودیت، عمیق‌تر می‌کند و به چنان بصیرتی می‌رساند که با نگاه توحیدی تمام موجودات را تجلیاتی از ذات لایتناهی الهی می‌بیند و سرنوشت خود را گره خورده به سرنوشت آنها می‌یابد، لذا رضایت خداوند را در پرتو رسیدگی به این تجلیات می‌داند و سهل‌انگاری و تسامح در این باره را با هدف خود در تعارض می‌بیند و از آن جا که در آن زمان فضای عمومی جامعه فضای مسئولیت‌پذیری و عهده‌داری است و هم‌نشینان انسان همه دارای این صفت هستند لذا انسان تحت تأثیر این فضا در این مسیر قرار می‌گیرد هم‌چنان که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

المرء علی دین خلیله و قرینه؛

هر انسانی به دین دوستش است. (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۱۲، ۴۸)

با این توصیفات همه انسان‌ها احساس وظیفه می‌کنند هم در راه اصلاح خود می‌کوشند و هم در راه اصلاح جامعه، از تخریب دین به وسیله خرافات جلوگیری می‌کنند و با دشمنان مبارزه کرده و در راه احیای ارزش‌های دینی در جامعه خود را مسئول می‌دانند. در زمان ظهور، معروف در جامعه عملی گشته و منکر ترک می‌شود. احکام الهی اجرا می‌شود و انسان‌ها تنبلی و بی‌تفاوتی را از خود دور می‌کنند و با تقویت جنبه عبادی مسئولیت، به آن رنگ تقدس

می بخشند. لذا داشتن مسئولیت دلبذیر می شود. زیرا انسان‌ها در آن زمان هرچیزی را با اصل آن می‌سنجند و اصل مسئولیت را روح ملکوتی آن تشکیل می‌دهد.

قرار گرفتن جهان تحت مدیریت واحد هم از عواملی است که موجب از بین رفتن خودمحوری‌ها شده و در نتیجه ایجاد مسئولیت می‌شود. دیگر کسی به بهانه این که این‌جا کشور من نیست و شهر من نیست و... از زیر بار مسئولیت شانه خالی نمی‌کنند.

از مطالب بیان شده می‌توان گفت تغییراتی که در رفتار انسان‌های عصر ظهور رخ می‌دهد تابع میزان تغییرات معرفت و عواطف‌شان می‌باشد؛ با توجه به تکامل عقل و تحول در قلب در عصر ظهور، قطعاً تغییرات در رفتار هم بسیار زیاد خواهد بود که به نمونه‌هایی از آنها اشاره کردیم.

### نتیجه‌گیری

براساس مبانی عقلی و نقلی، حضرت مهدی علیه السلام با ظهور خود تحولی عظیم در تمام ابعاد زندگی انسان اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و... به وجود خواهد آورد؛ آنچه در این مقال مورد بررسی قرار گرفت تحول در بعد تربیتی و دستاورد حکومت حضرت در این حوزه می‌باشد. حکومت امام مهدی علیه السلام جامع‌ترین نظام تربیتی در طول تاریخ را خواهد داشت چراکه اولاً نظام تربیتی ایشان همچون سایر اهل بیت علیهم السلام بر پایه شناخت کامل انسان طراحی شده است؛ لذا در تربیت انسان هم بعد معرفت و هم بعد عاطفی او را لحاظ نموده و با ایجاد تغییرات مثبت در این دو بُعد وجودی انسان، تحولی اساسی در بُعد رفتار انسان‌ها ایجاد می‌نماید و به این صورت فرایند تربیت انسان‌ها را تکمیل می‌کند که در نتیجه آن، بشر در مسیر فطرت قرار گرفته و به کمال شایسته خویش می‌رسد.

ثانیاً شکوفا شدن استعداد‌های انسان و برطرف شدن موانع تربیت باعث افزایش تام قابلیت انسان جهت پذیرش تربیت می‌شود. در نظام تربیتی حضرت حجت علیه السلام انسان‌ها ابتدا به تکامل عقلی و معرفتی می‌رسند که در نتیجه آن شناخت ارزش‌های واقعی و تمایز آنها از ارزش‌های کاذب و ضد ارزش‌ها حاصل می‌شود؛ تکامل معرفتی انسان منجر به ارتقاء عواطف انسانی و قرار گرفتن این عواطف در مسیر توحید می‌شود که در پرتو آن معرفت و این عشق واحد، وجود انسان مملوّ از فضائل اخلاقی می‌گردد که این امر در رفتار آنها نمایان می‌شود. لذا می‌توان گفت دستاوردهای تربیتی حکومت امام مهدی علیه السلام در سه بُعد معرفت، عاطفه و رفتار بروز و ظهور می‌نماید و در سایه چنین تربیت کاملی، انسان‌ها به کمال شایسته خویش که همان قرب پروردگار عالم است، نائل می‌آیند.

## منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم والفتن، قم: الشریف الرضی، قم، ۱۳۸۹ق.
- اربلی، کشف الغمه فی معرفة الائمه، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سوم.
- امامی کاشانی، محمد، خط امان در ولایت صاحب الزمان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب، سوم، ۱۳۸۷.
- آقا تهرانی، مرتضی، خانواده و تربیت مهدوی، تهران: کتاب یوسف، هفتم، ۱۳۹۲.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵.
- بهاء الدین نیلی، علی بن عبدالکریم، سرور اهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان علیه السلام، قم: دلیل ما، ۱۳۸۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، شرح محمدتقی خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- جمعی از نویسندگان، المعجم البسیط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
- جمعی از نویسندگان، راهبردهای تربیتی عصر زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۳.
- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم: اسراء، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_، بنیان مرصوص، قم: اسراء، ۱۳۸۶.
- \_\_\_\_\_، منظر مهر (مبانی تربیت در نهج البلاغه)، تهران: دریا، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: اسراء، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_\_، مکتب مهر (اصول تربیت در نهج البلاغه)، تهران: دریا، ۱۳۸۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۵.
- حسینی، سید حسین، مهر محبوب، تهران: نشر آفاق، سوم، ۱۳۷۹.
- خامنه‌ای، سید علی، ولایت و حکومت (بیانات مقام معظم رهبری درباره ولایت و حکومت)، تهران: مرکز صهباء، سوم، ۱۳۹۱.

- خداپرست، حسین، ترجمه مفردات راغب، قم: دفتر نشر نوید اسلام، دوم، ۱۳۸۹.
- خمینی، روح الله، طلب و اراده، ترجمه سیداحمد فهری، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- داوودی، محمد، تربیت دینی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، هشتم، ۱۳۹۰.
- دریکوندی، روح الله، عصر خود، (تکامل عقول در عصر ظهور)، قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، اول، ۱۳۹۴.
- دلشادتهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۰.
- راغب اصفهانی، المفردات الراغب الاصفهانی مع ملاحظات العامی، بیروت: انتشارات دارالمعروف، بی تا.
- رحیم پور ازغدی، حسن، مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب، تهران: سروش، اول، ۱۳۸۱.
- رزاقی، هادی، نگرش و ایمان در تربیت دینی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، اول، ۱۳۸۷.
- زاهدی، مرتضی، نظریه تربیتی اسلام، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی صابره، اول، ۱۳۸۵.
- سلیمان، کامل، يوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیه السلام، قم: انتشارات دارالمجتبی، اول، ۱۴۲۷.
- شوشتری، نورالله، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم: سیده المعصومه، ۱۳۷۸.
- صدر، محمد، تاریخ پس از ظهور، حسن سجادی پور، تهران: موعود عصر، ۱۳۸۴.
- صدرالدین شیرازی، محمد، شرح اصول کافی، تحقیق محمد خواجهوی، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- صدوق، علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹.
- \_\_\_\_\_، التوحید، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸.
- صفایی حائری، علی، مسؤولیت و سازندگی، قم: انتشارات لیلة القدر، نهم، ۱۳۹۱.
- طالبانی، محمود، آینده بشریت از نظر مکتب ما، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۵۹.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فکر علامه طباطبایی، ۱۳۶۴.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، اول، ۱۳۶۱.
- طبسی نجفی، محمدرضا، الشیعة والرجعة، عراق: انتشارات آداب، ۱۳۸۵.
- طبسی، نجم الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود، قم: بوستان کتاب، سوم، ۱۳۸۶.
- طوسی، ابن جعفر، کتاب الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱.

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، اول، ۱۳۸۹.
- فتحی آشتیانی، علی، شیوه‌های تغییر رفتار، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸.
- فرید، مرتضی، روایات تربیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.
- فیروزآبادی، سیدحسن، راهبردهای دولت زمینه‌ساز در توسعه پایدار و طوع و رغبت مهدوی، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن.
- فیروزی، ام‌البنین، حیات و تربیت در آموزه‌های قرآنی و علوم انسانی، قم: مرکز نشر هاجر، دوم، ۱۳۹۴.
- قزوینی، سید محمدکاظم، الامام المهدی من المهدی الی الظهور، لطیف راشدی، انتشارات الکترونیکی قائمیه، ۱۳۸۷.
- کارگر، رحیم، «بصیرت اخلاقی در عصر ظهور»، مجله انتظار موعود، سال هشتم، ش ۲۵ و ۲۶، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، سوم، ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_، جستارهایی در مهدویت، قم: مرکز تخصصی مهدویت، دوم، ۱۳۸۹.
- کاظمی، مصطفی بن ابراهیم، بشارة الاسلام فی علامات المهدی علیه السلام، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۸.
- کلباسی و اسحاقیان درجه، «بازنمایی و تحلیل شاخصه‌های تربیت انسان در بستر ادعیه و زیارات»، پژوهش‌نامه مهدویت، قم: عیار، ۱۳۹۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، سید جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۵.
- \_\_\_\_\_، اصول کافی، حسین استاد ولی، تهران: دارالکتب، سوم، ۱۳۹۲.
- کورانی، علی، المعجم الموضوعی لأحادیث الامام المهدی علیه السلام، بیروت: دارالمرتضی، ۱۴۳۰.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء / دارالاحیاء التراث الاسلامی، ۱۴۰۳.
- مجموعه مقالات تربیت زمینه‌ساز، راهبردها و راهکارها، قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۳.
- مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
- مروج طبسی، محمدرضا، الشیعة والرجعة، مصحح: عمادالدین طبسی، نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۵ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.

- منتظرین، معمار، «عشق و محبت از منظر قرآن کریم»، فصل نامه کوثر، شماره ۱، ۱۳۸۰.
- کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، دوم، ۱۴۲۸.
- میرزایی، فاطمه، معرفت نور تا ظهور، قم: انتشارات ارمان طوبی، اول، ۱۳۸۸.
- نجفی، محمد؛ متقی، زهره؛ نصرتی هشی، کمال، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۴.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، ترجمه و متن غیبت نعمانی، ترجمه محمدجواد غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶.
- \_\_\_\_\_، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۵۵.
- یزدانی، نجف؛ سعیدی مهر، محمد؛ ذهبی، عباس، «رابطه عواطف و معرفت از منظر ملاصدرا»، جستارهای فلسفی، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان، ۱۳۹۲.

